مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024
۲۳-۴۱
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

تبیین الگوی ابعاد کیفیت زندگی در فضای شهری با رویکرد ارتقای شاخص‌های آن[۱]

منا صدرایی: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
حمیدرضا صارمی*: دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
آرش بغدادی: استادیار، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

کیفیت زندگی و ارتقا شاخص‌های کیفی فضا امری است که از اواخر دهه ۸۰ میلادی وارد ادبیات شهرسازی گشته است. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که ارتقای کیفیت زندگی در واقعیت امری است که شهرسازان و مدیران شهری همواره باید به دنبال آن باشند. هدف این پژوهش بنیادی (اثباتی) تبیین شاخص‌هایی مشخص و کاربردی برای پژوهش‌های هنجاری و عملیاتی آتی است. از همین رو در این مقاله سعی شده با مرور ادبیات جهانی و داخلی به طبقه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی پرداخته و این واژه را از قالبی کاملاً مفهومی و انتزاعی خارج نموده و مؤلفه‌های عینی و ذهنی آن که در پژوهش‌ها باید مدنظر قرار گیرند را استخراج نماید. در ابتدا شاخص‌ها با توجه به مبانی موجود و شاخص‌های جهانی موجود با کمک تحلیل محتوا و استخراج کلیدواژه‌های استفاده شده توسط نظریه‌پردازان شاخص این موضوع که در برخی موارد دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند، مشخص گشتند. شاخص‌های کیفیت در دو بعد ذهنی و عینی در ابتدا طبقه‌بندی گشتند و شش مؤلفه اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیست‌محیطی، بهداشتی و حمل‌ونقل تقسیم گردیده و ارتباط میان این ابعاد و مؤلفه‌ها در چارچوب نظری مشخص گردیدند. شاخص‌های استخراج شده در هر قسمت از مبانی نظری با مصاحبه از صاحب‌نظران و با توجه به بستر و زمینه ایران به ویژه میدان تجریش و فرهنگ و قشر مخاطب آن تدقیق گشته و درنهایت مدل مفهومی و چارچوب نظری از شاخص‌های ارتقای کیفی محیط به تفکیک ابعاد کیفیت زندگی ارائه گشته است تا گامی برای پژوهش‌های عملی در این حوزه برای پژوهشگران باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، فضای شهری، ارتقای کیفی، ابعاد کیفیت.

Explaining the model of the quality model in the urban space according to the improvement of its life indicators

Abstract

The quality of life and improvement of the quality indicators of the space entered the urban planning literature in the ۸۰s. Many thinkers believe that improving the quality of life is something city planners and managers should always look for. This fundamental research aims to explain specific and practical indicators for future normative and operational research. Therefore, in this article, by reviewing the international and domestic literature, we tried to classify the indicators of quality of life and this word from a completely conceptual and abstract form and its objective and subjective components that should be considered in research. to check the primary indices, according to the existing foundations and the existing global indices, with the help of content analysis and the topics of the keywords used by the theorists of this index, which in some cases have differences and similarities, have been identified. The quality indicators were classified in two subjective and objective dimensions and six economic, social, environmental, environmental, health, transportation, and transfer components were converted and the relationship between these elements and components was determined theoretically. The indicators extracted in each part of the theoretical foundations were refined by interviewing experts and considering the background and context of Iran, especially the Tajrish field and its culture and target audience, and finally, a conceptual and theoretical model of the quality improvement indicators of the environment separately up to Quality of life is presented as a step for practical research in this field for researchers.

Keywords: quality of life, urban space, quality improvement, quality.

* نویسنده مسؤول saremi@modares.ac.ir

۱. این مقاله مستخرج از: تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی-اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقا شاخص‌های توسعه‌ی شهری (مورد پژوهی: میدان تجریش شهر تهران) رساله دکتری شهرسازی خانم مونا صدرایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس به راهنمایی دکتر حمیدرضا صارمی و مشاوره دکتر آرش بغدادی است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

مقدمه و بیان مسئله

متخصصین شهر در گسترش شهرنشینی و شهری شدن با مسائل بسیار در این حوزه مواجه هستند که حل مسئله و راه‌حل یابی مدام و مداوم از نتایج آن است و گریزناپذیر. از همین رو موضوع کیفیت زندگی از جمله عوامل و شاخص‌های جهانی است که کیفیت فضاها توسط آن سنجیده می‌شود. فضای شهری تجریش که بافتی سنتی و در عین حال قطبی مدرن به صورت توأمان محسوب می‌گردد. این موضوع اما باید با مدلی بومی‌شده نسبت به مدل جهانی بررسی گردد و این موضوع با بومی‌سازی شاخص‌های ارائه شده در متون موثق جهانی امکان‌پذیر می‌گردد. از همین رو ارائه مدلی بومی که بتواند این کیفیت را بررسی نماید امری ضروری است. از همین رو با توجه به مبانی نظری موجود و تحلیل و تطبیق آن‌ها با بستر ایران توانستیم مؤلفه‌های کیفیت زندگی را استخراج نماییم.

پیشینه تحقیق

نفیسه مرصومی و علیرضا لاجوردی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تطبیقی کیفیت زندگی شهری در ایران را موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت زندگی شهری در شهرهای مرکزی و شمال کشور در تمامی بخش‌ها بهتر از سایر شهرهای کشور می‌باشد. بیشتر این شهرها در دایره‌ای فرضی که از اصفهان شروع می‌شود و پس از گذشتن از تهران، قزوین و سمنان شهرهای ساری، گرگان و رشت را در برمی‌گیرد، قرار دارند. شهرهای نیمه شمالی و نیمه غربی کشور از لحاظ فرهنگی-اجتماعی و شهرهای نیمه شرقی و نیمه جنوبی کشور از لحاظ اقتصادی وضعیت بهتری دارند. علی رحمانی فیروزجاه و سعدیه سهرابی (۱۳۹۴) در بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین مبلمان شهری و کیفیت زندگی به این نتیجه رسیدند که بین میزان دسترسی مبلمان شهری و ابعاد کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و به‌طور کل نتیجه تحقیق پس از تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها، حاکی از آن است که مبلمان شهری از بین مجموعه عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی نقش مهمی را ایفا می‌نماید. ارزیابی کیفیت زندگی شهری در محله یافت‌آباد تهران توسط محمدباقر قالیباف و همکاران (۱۳۹۰) موردبررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از این است که وضعیت کیفیت زندگی در منطقه موردمطالعه در زمینه‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی از دید جامعه نمونه مطلوب نبوده و تنها وضعیت حمل‌ونقل و ارتباطات از دید جامعه نمونه در حد متوسطی ارزیابی شده است. ربابه رجبی آمیراباد و بیژن رحمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، ساماندهی سیمای شهری در راستای بهبود کیفیت زندگی شهر ملایر را موردبررسی قرار داده‌اند. نتیجه حاصل شده در این پژوهش نشان می‌دهد که زندگی شهری بدون برخورداری از یک سیمای شهری مناسب کیفیت زندگی مناسبی را در شهر ملایر به ارمغان نخواهد آورد. از آنجایی که ملایر دارای قابلیت‌های گردشگری و توریستی است و با عنایت به اقلیم، فرهنگ و موقعیت خود و تأثیراتی که این شهر در غرب کشور دارد به مقوله سیمای شهری و ساماندهی آن کم‌تر پرداخته شده است.

کیفیت زندگی شهری و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه توسط مهرداد نوابخش در سال (۱۳۹۱) موردسنجش قرار گرفت. نتایج تحلیل در رگرسیون نشان داد که متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات، سن، نوع مذهب و منطقه سکونت بر کیفیت زندگی تأثیر داشتند و همچنین میزان میانگین مشاهده شده کیفیت زندگی شهروندان کرمانشاه است که با توجه به میانگین مورد انتظار است. سنجش کیفیت زندگی در قلمرو بافت فرسوده شهری، مطالعه موردی منطقه ۹ شهر تهران توسط پوراحمد و زارعی در سال (۱۳۹۴) موردبررسی قرار گرفته شد. نتایج مبین این مطلب است که وضعیت رضایت از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی معنادار بوده و نشان از کیفیت پایین در این شاخص‌ها دارد

تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی در محلات شهری (نمونه موردی: شهر فارسان) توسط حاجی نژاد و همکاران در سال (۱۳۹۵) موردبررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش گویای آن است که محلات ناحیه دو شهر فارسان در شاخص‌های اقتصادی، با امتیاز ۸۴۱/۰ اجتماعی با ۹۸۱/۰ و کالدی با امتیاز ۹۳۰/۰ در رتبه اول و محلات ناحیه یک این شهر رتبه آخر را به خود اختصاص داده‌اند. در کتاب بررسی کیفیت زندگی شهری که توسط رابرت مارانس و رابرت سیمسون در سال (۲۰۱۱) نوشته شده است، مشخص شد که ۲ پارامتر کیفیت شهری (دستمزد، درآمد، اشتغال، قیمت مسکن، تأسیسات فرهنگی، چشم‌اندازهای زیبا، آب‌وهوا و...) و کیفیت زندگی محیطی (کیفیت محیط شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی) بر مؤلفه‌ی اصلی کیفیت زندگی اثرگذار هستند. در کتاب کیفیت زندگی و همتایی فضایی آن با توسعه‌ی اقتصادی محله در شهرهای بزرگ چین که توسط ون زنگ و لیلی زیانگ در سال (۲۰۱۷) بیان شده است که کیفیت زندگی بر روی توسعه اقتصادی محلی تأثیرگذار است. توسعه اقتصاد محلی می‌تواند کیفیت زندگی را افزایش دهد. اگر شهرها بر صنایع با ارزش‌افزوده و سازگار با محیط‌زیست ساخته شوند، اقتصاد محلی و کیفیت زندگی بهبود پیدا می‌کنند. در چین کیفیت زندگی بالاتر از توسعه‌ی اقتصاد محلی است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

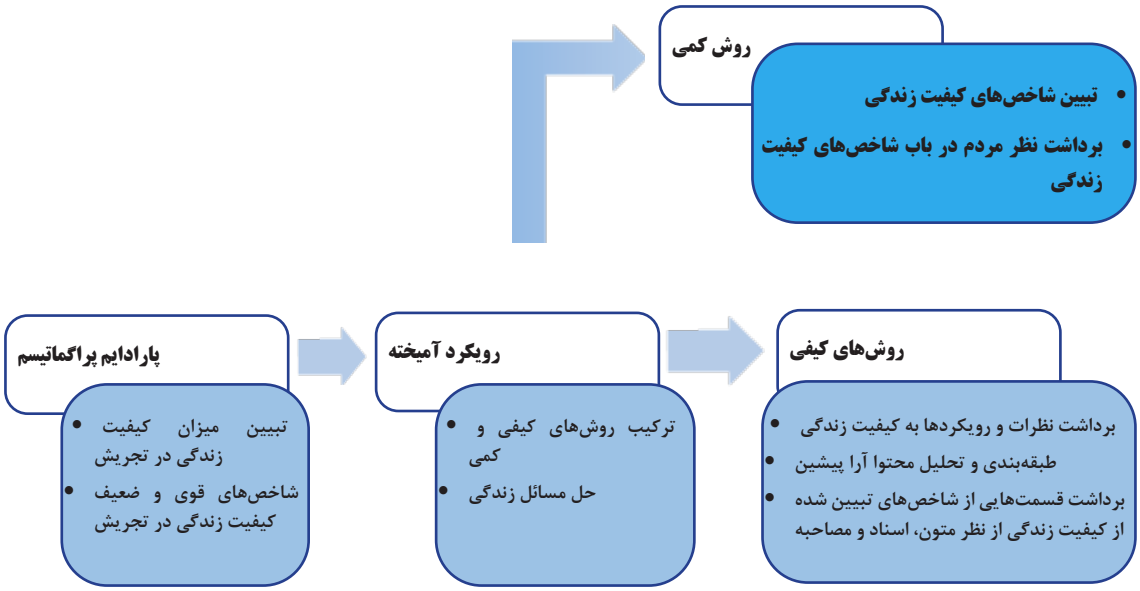

شکل ۱: رویکرد و روش‌های مورداستفاده در پژوهش

در کتاب انتخاب شاخص‌های پایدار شهری و کیفیت زندگی ساکنان شهر از روبرتا گریفونی و ماسیمو سارگولینی گفته شد که کیفیت مناظر و کیفیت زندگی ساکنان شهر ارتباط تنگاتنگی با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. بازخورد مداوم پایداری و کیفیت منظر شهری و تعامل آن‌ها با کیفیت زندگی ساکنان شهر موضوع موردمطالعه در این کتاب بود.

در سال ۱۳۹۷ مجتبی یزدانی کتاب کیفیت زندگی شهری را نوشته است. در این کتاب کیفیت زندگی شهری، در حالی که مفهومی چندبعدی و بینا رشته‌ای است، به‌طور هم‌زمان دارای ابعاد عینی و ذهنی معرفی شده است. از این‌رو، برنامه‌ریزان و سیاست گذران شهری باید در عین اینکه به شاخص‌های کالبدی و کمی کیفیت زندگی توجه کنند، به رضایت‌مندی، آرزوها و هویت شهروندان نسبت به آن شاخص‌های کمی نیز توجه داشته باشند. کیفیت زندگی و شاخص‌های گسترده کمی و کیفی آن، در امتداد دیگر مؤلفه‌هایی چون محله گرایی، سلامت شهری، بهبود سکونتگاه‌های شهری، بهبود مبلمان شهری، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، توسعه انسانی و...، همگی با یکدیگر هم‌افزایی دارند. این کتاب می‌کوشد با نشان دادن شاخص‌های مختلف کمی و کیفی کیفیت زندگی و بررسی آسیب‌شناختی وضعیت ایران از این منظر و ارائه سیاست‌گذاری‌های لازم در راستای آن به روشن شدن نظری و راهکارهای عملی بهبود این مؤلفه در برنامه‌ریزی شهری یاری رساند. هدف این کتاب، پرداختن به کیفیت زندگی به عنوان طرحی پژوهی برای سنجش کیفیت زندگی از زوایای مختلف، بررسی شاخص‌های آن (به‌طورکلی) و ارائه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری معطوف به آن است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی است و از جنبه ماهیت و هدف کاربردی و از لحاظ روش همبستگی است. درواقع هدف از پژوهش حاضر مطالعه ذهنیت ساکنین شهر و بررسی الگوهای ذهنی آن‌ها در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی محدوده است. در این پژوهش در قسمت گردآوری مبانی نظری و ارائه مدل پژوهشی که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازد از روش کیفی استفاده شده و به روش سیستماتیک مبانی موجود استخراج و تحلیل کیفی صورت گرفته در باب بومی‌سازی شاخص‌ها با توجه به نظرات صاحب‌نظران و شناخت فرهنگ و ساماندهی ذهنی ساکنان تهران (ایران) صورت پذیرفته است.

مبانی نظری

کیفیت

استاندارد بریتانیایی ۴۷۷۸ که در سال ۱۹۸۷ منتشر شده، کیفیت را به عنوان "کلیت سیما، ترکیب و همچنین مشخصات خدمات و فرآورده‌هایی که قادر به ایجاد رضایتمندی و یا برطرف کردن نیازهای ضمنی است" بیان می‌کند. کمیسیون طراحی ولز چنین بیان می‌کند که کیفیت نباید تنها به عنوان سیمای ظاهری و نمای بیرونی ساختمان‌ها در نظر گرفته شود. کیفیت باید دربردارنده

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

تناسب اهداف، فعالیت‌های محیطی، پایداری اقتصادی و اجتماعی، پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران و اهداف و آرمان‌های اجتماعات ملی و محلی باشد (Cowan, 2005, p: 317). کیفیت مفهومی دو وجهی است، یعنی مفهومی است "روشن و واضح"، ولی در عین حال "چندپهلو"، مفهومی است "قابل فهم" ولی در عین حال" فرار" که به‌راحتی تن به تعریف شدن نمی‌دهد (گلکار، ۱۳۸۰). معنای لغوی واژه "کیفیت" در فرهنگ زبان فارسی"عمید"، "چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی" مطرح شده است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۰۲۷). فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز چهار معنا برای واژه کیفیت ارائه کرده که عبارتند از میزان خوبی و ارزش هر چیزی، درجه خوبی و کمال هر چیز به صورت کلی، مشخصات و خصوصیات، جنبه‌های ویژه و متمایزکننده." (Oxford, 1989, p: 1023). منظور از کیفیت، از طرفی خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز است، از طرف دیگر کیفیت، کلیت و سیستمی از جزء کیفیت‌هایی است که آن چیز را به وجود آوردند. به همین خاطر می‌توان یک‌بار با دیدگاهی کل‌نگرانه، ویژگی‌های اساسی و ماهوی یک چیز را بررسی نمود و یا می‌توان بار دیگر از دیدگاهی جزءنگرانه تک‌تک کیفیت‌ها (جزء کیفیت‌ها) را بررسی نمود (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳). در کل تعریفی از کیفیت که قبول عام بوده و قابل تعریف می‌باشد به شرح زیر است: «مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیء از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم نماییم و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا و زشت بودن، خوب و بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد و ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم» (Billings, 1993 به نقل از گلکار، ۱۳۸۰). به‌طور خلاصه می‌توان گفت کیفیت به آن ویژگی مشخص یک چیز یا پدیده اطلاق می‌شود که تأثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

کیفیت یک شیء از دو منبع یا دو شیء سرچشمه می‌گیرد. عرصه ذهنی فرد و عرصه عینی شیء. براساس این نظریه، کیفیت‌هایی که متعلق به "عرصه ذهنی" هستند، کیفیت‌هایی به شمار می‌روند که درون "ضمیر" فرد ساکن هستند. متقابلاً، کیفیت‌های مرتبط با "عرصه عینی" کیفیات متعلق به شیء هستند که به شکل "موجودیتی خارجی" در معرض ذهن قرار گرفته و یا با حقایق جهان خارج سروکار دارند. "کیفیت‌های ضمیری" را می‌توان به عنوان " ارزش‌هایی" که به دشواری قابل کمی‌شدن بوده و به سختی می‌توان آن‌ها را اندازه‌گیری نمود، معرفی کرد. برخلاف کیفیت‌های ضمیری، "کیفیت‌های حقیقی" اشیاء را می‌توان به عنوان کیفیاتی که ماهیتی قابل اندازه‌گیری دارند و به ظرفیت‌های قابل سنجشی نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند، معرفی نمود (گلکار، ۱۳۸۰).

بسط رویکرد و دیدگاه در نگاه به کیفیت محیط

فقدان توصیف جامع و صحیحی از کیفیت محیط در نواحی سکونتی به همراه مؤلفه‌های آن پوشیده نیست. مطالعه سیستماتیک از کیفیت محیط به منظور اهداف سکونتی نسبتاً جدید است. مطالعات اولیه بیشتر به‌طور حاشیه‌ای به موضوع پرداخته‌اند. (Carp et al., 1976, p: 240) کیفیت محیط مفهومی متعالی‌تر از کیفیت محض است.

"یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایتمندی را به جمعیتی که در آن ساکن‌اند به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند"(Lansing and Marans, 1969 به نقل از Van poll, 1997, p: 17). Porteous در سال ۱۹۷۱ کیفیت محیط را به صورت یک مفهوم پیچیده شامل ترکیبی از ادراکات ذهنی، ویژگی‌ها و ارزش‌هایی که در میان افراد، گروه‌ها و جوامع متفاوت است، مطرح کرد. RMB[1] در سال ۱۹۹۶ عنوان کرد کیفیت محیط برآیندی است از ترکیب کیفیت اجزاء، با این تفاوت که این کلیت از جمع اجزاء بالاتر است. هرکدام از اجزاء (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط ساخته شده، تجهیزات محیط مصنوع و منابع طبیعی) مشخصات و کیفیت جزئی مربوطه به خود را دارد.. (Van kamp et al., 2003, p:7) بدین ترتیب می‌توان گفت کیفیت محیط یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندی و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارند به‌طوری که در بسیاری موارد به عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می‌شوند (Ibid, p:6).

ضرورت بررسی کیفیت محیط

"هم‌زمان با پدیدار شدن بحران‌های محیطی، کیفیت محیط به عنوان بخشی از مفهوم کلی کیفیت زندگی شناخته شد. این مفهوم به عنوان بازتاب همه‌جانبه احساس شخص از سلامتی، شامل همه عواملی که در رضایتمندی انسان نقش دارند، فرض شده است" (Van poll, 1997, p: 1). به عنوان مثال، فاکتورهای تأثیرگذار در رضایتمندی انسان سلامت شخص، زندگی فامیلی، کار، شبکه ارتباط اجتماعی و محیط می‌باشد که در ارتباط با دیگر جنبه‌های کیفیت زندگی، کیفیت محیط کمتر موردبررسی قرار گرفته شده است (Craik and Zube, 1976 ,p:10). رابطه متقابل و

1-Raad Voor Het Milieubeheer

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

تأثیر "کیفیت محیط شهری" بر "کیفیت زندگی" ساکنان شهرها توسط کوین لینچ مورد تأکید واقع شده است. وی می‌گوید: اگر بناست طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری نماید (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۴۳). اگر چه در کل اهمیت نسبی کیفیت محیط هنوز یک موضوع مورد بحث می‌باشد، بهبود کیفیت و سپس نگه‌داریش در محیط‌های مسکونی شهری اهمیت حیاتی دارد و این موضوع به علت اهمیت محیط در مقابل دیگر جنبه‌های زندگی، طبیعت خاص محیط‌های مسکونی، افزایش نقش محیط‌های مسکونی شهری به عنوان زیستگاه اصلی انسان و تعداد مردمی که از شرایط غالب محیط‌های مسکونی شهرشان تأثیر بدی گرفته‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار شده است (Van poll, 1997, p: 1). به علاوه اثر تأثیرات محیطی بر روی سلامت همگانی (عمومی) کمتر موردتوجه قرار گرفته است (Kasl, 1990, p: 480). در شکل ۲۳ هرم سلامتی نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار ملاحظه می‌شود، سطحی وسیعی از مردم در معرض آلودگی‌های محیطی قرار دارند که در مقایسه با سطوح مرگ‌ومیر، امراض و ... قابل‌توجه می‌باشد. برای مثال در سال ۱۹۹۲ در هلند مرگ‌ومیر ناشی از سرطان از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر ۲۳۵ نفر بوده است (Van poll, 1997, p: 3). همچنین بر طبق یک بررسی توسط Doll و Peto در سال ۱۹۸۱، ۲ درصد از مرگ‌ومیر ناشی از سرطان به آلودگی‌های محیطی، خصوصاً آلودگی‌های هوا، قابل استناد می‌باشد.

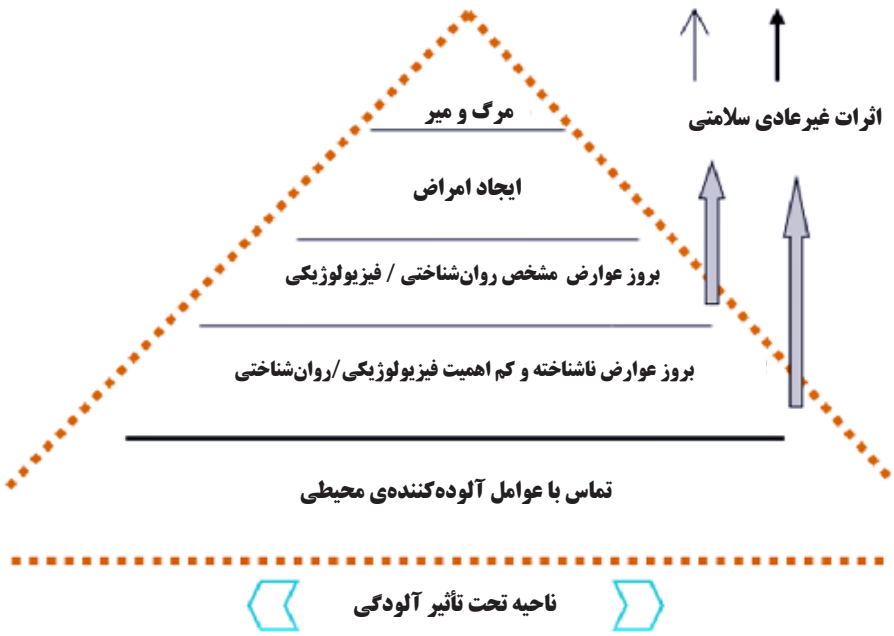

شکل ۲: هرم سلامتی. منبع: (Van poll, 1997, p: 4)

جمله "هیمل بلاو" که در اهمیت فضای مطلوب می‌گوید: "ما عمدتاً در فضاهای محصور زندگی می‌کنیم. این فضاها محیطی را شکل می‌دهند که در آن فرهنگ‌ها رشد می‌کنند. اگر آرزو داریم که فرهنگ خود را به سطحی بالاتر ارتقاء دهیم مجبوریم ... {فضای زندگی} خودمان را دگرگون سازیم." (لاری بقال،۱۳۸۰، ص ۷۰). می‌تواند کلیتی مقبول را به ما نشان دهد. از آنجا که محیط‌های شهری نواحی‌ای را فراهم می‌کنند که در آن مردم با شرایط محیطی ناسازگاری همچون صدا، بوی بد، آلودگی هوا، امنیت بیرونی، ازدحام، آشغال و یا کمبود امکانات و تسهیلات مواجه می‌شوند. به خاطر همین دلایل، اداره کردن و مدیریت کیفیت محیط‌های مسکونی شهری اهمیت حیاتی دارد (Van poll, 1997, p: xv). متأسفانه، امروزه محیط‌های شهری به‌طور ناگهانی در رویارویی با برطرف کردن نیازهای ساکنان‌شان تنزل کرده‌اند (Carp et al, 1976, p: 239). با توجه به اهمیت مسأله "کیفیت"، به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در شهرها، همچون گذشته بدون توجه لازم به کیفیت محیط شهری در مراحل مختلف تصمیم‌گیری صورت پذیرد، تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت شهری مطلوب وجود نخواهد داشت (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

کیفیت زندگی

ظهور انقلاب صنعتی و گسترش روزافزون فرایند تفکیک و تمایز اجتماعی در جوامع بشری، ضرورت سازماندهی و چرخش در فرایند توسعه را از حیث نظری و عملی به همراه داشت به‌گونه‌ای که رویکردهای مختلفی در باب چگونگی و کم و کیف توسعه مطرح شدند. در آغاز وجه غالب این رویکردها تمرکز بر رشد اقتصادی بود و از منظر رفاه و بهزیستی اجتماعی، گزاره ثروت بیشتر به خوشبختی بیشتر افراد می‌انجامد، اصلی پذیرفته شده تلقی می‌گردید.

لیکن از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی، با بروز و ظهور پیامدهای منفی حاصل از رشد از سویی و برجسته شدن دغدغه‌های جدید از سوی دیگر، جایگاه رشد اقتصادی به عنوان هدف اصلی توسعه مورد پرسش و تردید قرار گرفت و تلاش‌هایی انجام شد تا رشد اقتصادی و سیاست‌های مربوط به آن به عنوان هدف بلکه به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به اهداف توسعه در نظر گرفته شود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ مؤلفه‌های مربوط به توسعه‌ی اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی و ... نیز به ادبیات توسعه راه یافت و به تعبیری در سلسله‌مراتب اهداف توسعه تغییراتی حاصل گردید و با تأکید سازمان ملل، بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس هدف قرار گرفت که کاهش فقر و تخریب محیط‌زیست، افزایش بهداشت و طول عمر و به‌طورکلی ارتقا کیفیت زندگی را به همراه دارد (غفاری، کریمی و نوذری، ۱۳۹۱).

مفهوم کیفیت زندگی ابتدا به حوزه‌های بهداشتی و بیماری‌های روانی محدود می‌شد، اما در طی دو دهه گذشته، این مفهوم از زمینه‌های بهداشتی، زیست‌محیطی و روان‌شناختی صرف به مفهومی چندبعدی ارتقا یافته (عنبری، ۱۳۸۹) و موردتوجه تعداد زیادی از حوزه‌های مطالعاتی قرار گرفته است. از این‌روست که براساس پایگاه داده‌ها موسسه اطلاعات علمی، از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ بیش از ۵۵ هزار تحقیق در مورد کیفیت زندگی صورت گرفته است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).



شکل ۳: ابعاد مختلف زندگی که ابعاد مختلف کیفیت زندگی را معین می‌کند.

امروزه کیفیت زندگی را به عنوان عنصری کلیدی در سیاست‌گذاری و بررسی سیاست‌های حوزه عمومی مورد بحث قرار داده و از آن به عنوان شاخص توسعه نام می‌برند. این سازه بعد از طرح اولیه در دهه ۱۹۳۰ تاکنون تحولات بسیاری یافته و برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت و ترقی جوامع از آن استفاده روزافزونی می‌شود. از اواخر دهه ۱۹۷۰ علاقه به مفهوم کیفیت زندگی به شکل معناداری افزایش یافت. از این تاریخ به بعد بحث‌های کیفیت زندگی بیشتر در سه حوزه پزشکی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی متمرکز شد. در واقع از دهه ۱۹۳۰ تا به امروز بر تعداد حوزه‌های مطالعه این سازه افزوده شده است. این امر موجب ایجاد ادبیات گسترده‌ای برای شاخص توسعه شده است. هرچه تعداد مطالعات در این حوزه بیشتر باشد تدوین شاخص‌های توسعه با دقت بیشتری انجام می‌گیرد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

از سوی دیگر توجه به کیفیت زندگی از دیدگاه اجتماعی باعث تغییرات گسترده‌ای در نوع مطالعات این سازه شده و ابعاد جدیدی را بر این مفهوم افزوده است که باعث کاربرد بیشتر و گسترده‌تر سازه کیفیت زندگی در کشوری مانند ایران به لحاظ مطالعاتی و سیاست‌گذاری از دو بعد درونی و بیرونی ضرورت و اهمیت دارد. از بعد درونی، ضرورت کاربرد این مفهوم را می‌توان در مواردی چون ارزیابی اثرات سیاست‌های اجتماعی، ارزیابی تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در سطح خرد و کلان، بهبود خدمات‌رسانی، ترغیب مشارکت عمومی، اعتلای حقوق انسانی، توزیع برابر منابع و مانند این‌ها جست‌وجو کرد.

ابعاد بیرونی ضرورت توجه به سازه کیفیت زندگی در کشور با روند رو به رشد جهانی شدن شدت بیشتری می‌یابد. در عصر جهانی شدن، مناطق مختلف در جذب سرمایه‌هایی که مرزهای ملی را به رسمیت نمی‌شناسند با همدیگر رقابت می‌کنند. از طریق ارتقای کیفیت زندگی است که بسیاری از افراد و سرمایه‌ها تمایل می‌یابند تا در آن منطقه به سکونت کار و سرمایه‌گذاری بپردازند. از این‌رو می‌توان ادعا کرد که در وضعیت کنونی دستیابی به توسعه از هر بعد آن بدون توجه به سازه کیفیت زندگی امکان‌پذیر نمی‌باشد. با توجه به این ضرورت در سال‌های اخیر مطالعات سازه کیفیت زندگی در ایران از ابعاد مختلفی دچار تغییر شده است. بررسی این تغییرات می‌تواند نشان‌دهنده میزان توجه به این سازه در مطالعات داخلی و درک جایگاه کیفیت زندگی در مطالعات توسعه باشد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

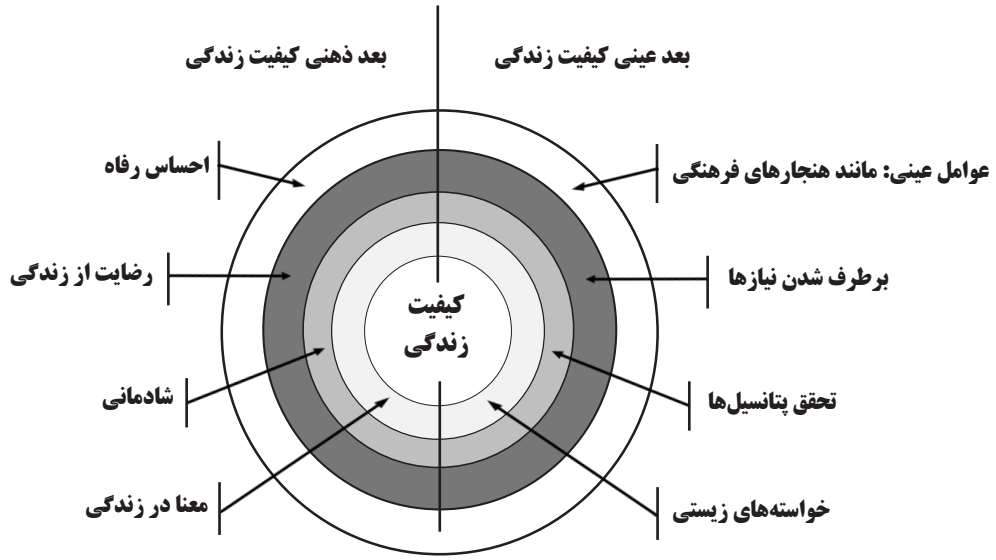

شکل ۴: سطوح کیفیت زندگی

- **تاریخچه کیفیت زندگی**

کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث از شادکامی بدان اشاره کرده است. همچنین در دوران جدید فیلسوفانی چون کیرگه گارد، ژان پل سارتر و دیگران به آن توجه داشته‌اند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸). با این وجود کسی که برای اولین بار به مفهوم کیفیت زندگی به صورت مستقیم اشاره کرد پیگو بود. پیگو عبارت کیفیت زندگی را اولین بار در سال ۱۹۲۰ در کتاب «اقتصاد و رفاه» مورداستفاده قرار داد.

در این کتاب، پیگو درباره حمایت دولت از قشرهای کم‌درآمد جامعه و تأثیر این حمایت بر آن‌ها و همچنین بودجه ملی بحث می‌کند. آن زمان نظریه او شکست خورد و تا بعد از جنگ جهانی دوم به فراموشی سپرده شد.. بعد از جنگ جهانی دوم دو حادثه مهم رخ داد. اولی مربوط به سازمان بهداشت جهانی بود. در این زمان سازمان بهداشت جهانی تعریف گسترده‌ای از سلامت ارائه کرد که در این تعریف سلامت شامل سلامت فیزیکی، روانی و اجتماعی می‌شد. این اقدام سازمان بهداشت جهانی منجر به مذاکرات زیادی در مورد سلامت و چگونگی اندازه‌گیری آن شد.

دومین رخ داد مهم بعد از جنگ جهانی دوم که زمینه توجهات ویژه به کیفیت زندگی را فراهم آورد بحث بی‌عدالتی‌های وسیع در جوامع غربی بود. همین مسأله باعث یک سری فعالیت‌های اجتماعی و ابتکارات سیاسی از دهه ۱۹۶۰ به بعد شد. به اعتقاد فیشر و شوسلر عبارت کیفیت زندگی به صورت خاص اولین بار در سال ۱۹۶۰ در گزارش کمیسیون ریاست

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

جمهوری درباره اهداف ملی آمریکا مطرح شد (وود، ۱۹۹۹). گزارش کمیسیون مذکور متمرکز بر برنامه‌های اجتماعی مانند آموزش و نیروی انسانی، توسعه اجتماعی و مسکن، سلامتی و رفاه بود (لیندا و دیانا، ۲۰۰۵). بر همین اساس گزارش کمیسیون ریاست جمهوری آمریکا در زمینه اهداف ملی و تحقیق باوئر در سال ۱۹۶۶ در زمینه اثرات ثانویه برنامه‌های مکانی ملی در آمریکا را می‌توان به عنوان اولین کارهایی ذکر کرد که به مقوله کیفیت زندگی به عنوان یک حوزه تحقیقاتی خاص پرداخته‌اند (شوسلر و فیشر، ۱۹۸۵).

از اواخر دهه ۱۹۷۰ علاقه به مفهوم کیفیت زندگی به شکل معناداری افزایش یافت. از این تاریخ به بعد بحث‌های کیفیت زندگی بیشتر در سه حوزه پزشکی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی متمرکز شد. بیشترین تمرکز تحقیقات انجام شده بر روی حوزه پزشکی می‌باشد. از سال ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۵ تعداد ۷۶۶۹۸ مقاله از سوی پایگاه داده‌های پابمد منتشر شده که عبارت «کیفیت زندگی» عنوان موضوعی یا چکیده آن‌ها را شامل می‌شود. از نیمه دهه ۱۹۶۰ تعداد کارهای منتشر شده با این موضوع رشد تصاعدی داشته است. در سال ۱۹۶۶، ۰۰۲/۰ درصد از کل کارهای منتشر شده در پابمد با موضعیت کیفیت زندگی بوده در حالی که همین مقدار در سال ۲۰۰۵ به ۱/۳۶ درصد رسیده است (مونز و همکاران، ۲۰۰۵).

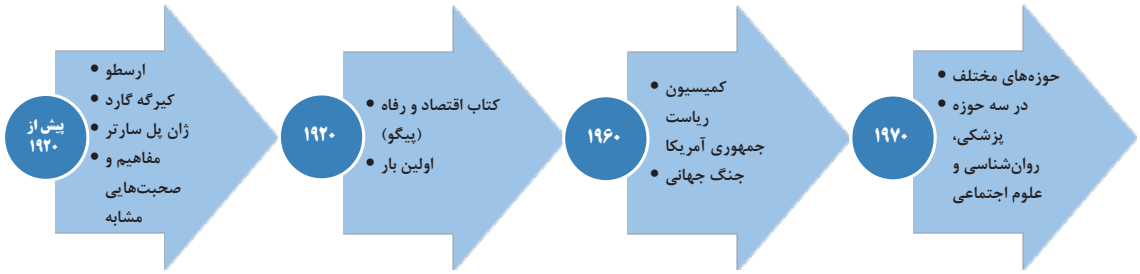

شکل ۵: تاریخچه کیفیت زندگی

- **ابعاد مفهومی کیفیت زندگی**

با وجود گذشت چندین دهه از رواج مفهوم کیفیت زندگی و تحقیقات متنوع صورت گرفته در این زمینه تعریف واحدی که موردقبول همه باشد وجود ندارد. مرور متون مرتبط به کیفیت زندگی (فلس و پری، ۱۹۹۵؛ ماسام، ۲۰۰۲؛ لیی، ۲۰۰۵؛ فیلیپس، ۲۰۰۶؛ سرجی، ۲۰۰۶) حاکی از تأکید دیدگاه صاحب‌نظران مختلف درباره ابهام مفهومی در تعریف این سازه است. هر محقق با توجه به حوزه مطالعه، شرایط و ویژگی‌های جامعه تحقیق تعریفی از کیفیت زندگی ارائه می‌دهد. رومنی و همکارانش مجموعه استدلال‌هایی برای پاسخ به این پرسش ارائه می‌دهند که چرا تعریف پذیرفته شده جهان‌شمولی برای کیفیت زندگی وجود ندارد. این مجموعه عبارتند از:

الف) فرایندهای روان‌شناختی مرتبط با تجربه کیفیت زندگی را می‌توان از دریچه زبان‌ها و دهلیزهای مفهومی مختلف توصیف و تفسیر کرد.

ب) مفهوم کیفیت زندگی تا حد زیادی با ارزش داوری همراه است.

ج) مفهوم کیفیت زندگی متأثر از رشد درک انسانی و فرایندهای توسعه در طول زندگی افراد در اجتماع محلی و میزان تحت تأثیر قرار گرفتن این فرایندهای روان‌شناختی توسط عوامل محیطی و سیستم‌های ارزش فردی است. از این‌رو به دلیل فقدان تعریف عملیاتی واحد از کیفیت زندگی، واژه‌های مرتبط دیگری مانند بهزیستی، سطح زندگی، استاندارد زندگی، رضایتمندی از زندگی و خشنودی ظهور کرده‌اند (ماسام، ۲۰۰۲).

یکی از اختلافات مهمی که بین متخصصین کیفیت زندگی وجود دارد دیدگاه آن‌ها در رابطه با ذهنی یا عینی بودن این مفهوم است. بر همین اساس می‌توان محققین کیفیت زندگی را به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول کسانی هستند که فقط به بعد ذهنی کیفیت زندگی توجه دارند. این‌ها در کارهای خود یا بعد عینی کیفیت زندگی را لحاظ نمی‌کنند و یا آن را از لحاظ اهمیت در سطح بسیار پایینی قرار می‌دهند. دسته دوم کسانی هستند که برخلاف دسته اول کیفیت زندگی را از لحاظ عینی بررسی می‌کنند البته تعداد این افراد در قیاس با گروه اول بسیار کم است؛ اما دسته سوم که به نظر روزبه‌روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود کسانی هستند که دید جامع‌تری نسبت به این مفهوم داشته و معتقدند که کیفیت زندگی را باید از دو بعد عینی و ذهنی موردبررسی قرار داد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱).

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]



شکل ۶: طبقه‌بندی دیدگاه نظریه‌پردازان به کیفیت زندگی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

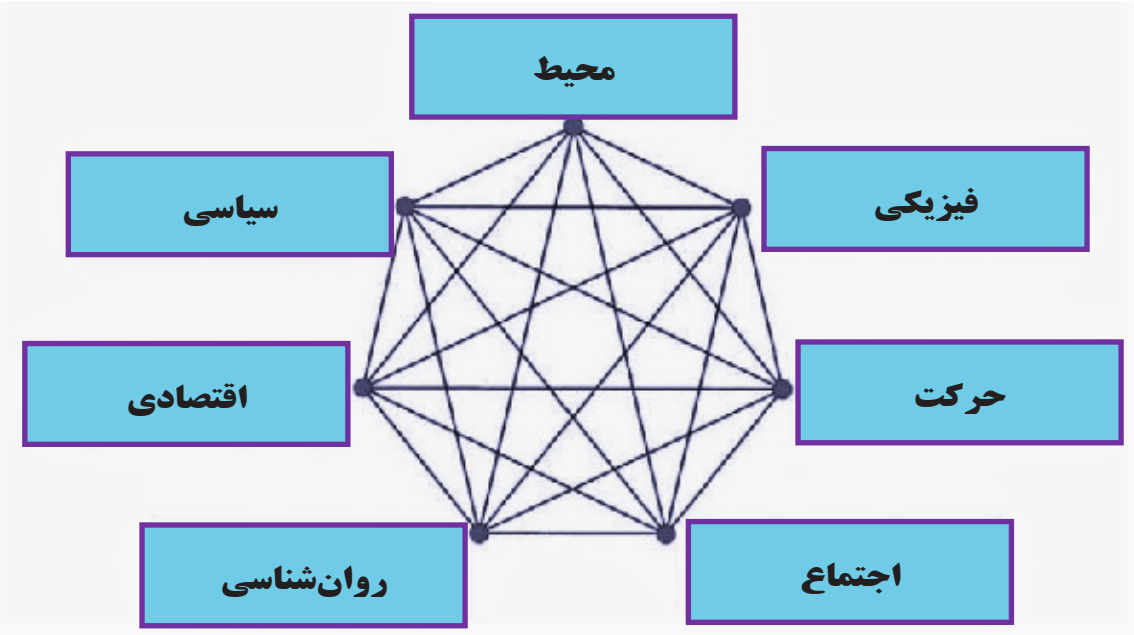

شکل ۷: ابعاد کیفیت زندگی منبع: *Serag El Din et all*, 2012: 89

- **کیفیت زندگی به‌مثابه سازه‌ای ذهنی**

کیفیت زندگی به احساسات، انتظارات، اعتقادات و پندارهای فرد بستگی دارد. بدین معنا که حتماً باید توسط خود شخص، براساس نظر او و نه فرد جایگزین تعیین گردد. لذا در مطالعات کیفیت زندگی ارزیابی خود فرد از سلامت و یا خوب بودنش عامل کلیدی می‌باشد (نازنجات، ۱۳۸۷؛ رستمی و صالحی، ۱۳۷۸). پترا بونک (۲۰۰۷) برای بررسی کیفیت زندگی به بعد ذهنی این موضوع یعنی رضایت از زندگی توجه دارد. او معتقد است که کیفیت زندگی یک جامعه در واقع انعکاس ذهنی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

افراد جامعه در زمینه رضایت از زندگی است. کامنس کیفیت زندگی ذهنی را به عنوان یک مفهوم چندبعدی تعریف کرده است. به نظر او کیفیت زندگی شامل هفت حوزه زندگی می‌شود که هرکسی برحسب اهمیتی که هر حوزه برای او دارد آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد لذا این هفت حوزه وزن‌های مختلفی از دید مردم پیدا می‌کنند. این هفت حوزه که از آن به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی یاد می‌کند شامل موارد زیر است: ۱. بهزیستی جسمانی؛ ۲. بهداشت؛ ۳. بهره‌وری؛ ۴. صمیمیت؛ ۵. امنیت؛ ۶. اجتماع؛ ۷. بهزیستی عاطفی (چیپور و همکاران، ۲۰۰۲).

شوسلر و فیشر (۱۹۸۵) معتقدند که جنبه ذهنی کیفیت زندگی معمولاً برای بیان حالت‌های وابستگی و رضایت به کار می‌رود مانند حس شخصی از رفاه، رضایت یا نارضایتی از زندگی یا خوشحالی یا ناراحتی. سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز کیفیت زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند؛ درک افراد از جایگاهشان در زندگی با توجه به بافت فرهنگی و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کنند. در این حالت درک افراد از زندگی در ارتباط با اهداف، انتظارات، ملاک‌ها و عقایدشان می‌باشد. سازمان بهداشت جهانی مفهوم وسیعی از کیفیت زندگی را مدنظر قرار می‌دهد که این مفهوم تلفیقی از سلامت فیزیکی، وضعیت روان‌شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی، اعتقادات فردی و ارتباط این عوامل با ویژگی‌های محیطی می‌باشد. (کارگروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۳). این تعریف از کیفیت زندگی نشان می‌دهد که این مفهوم جنبه ذهنی داشته و در بافت فرهنگی، اجتماعی و محیطی محاط می‌باشد. به عنوان یک تجربه ذهنی، کیفیت زندگی ارزیابی درکی فرد از وقایع و پاسخ عاطفی به این وقایع را شامل می‌شود (چیپور و همکاران، ۲۰۰۲).

افکانس و مارون معتقدند که رفاه ذهنی وسیله‌ای برای شناسایی کیفیت زندگی است. آنان جنبه‌های ذهنی و روانی و فیزیکی شخصیت انسان را موردبررسی قرار داده و تأثیرات این ابعاد را روی بخش ذهنی کیفیت زندگی لحاظ می‌کنند. فاکتورهای عینی مانند درآمد، مسکن و آموزش برخلاف ویژگی‌های ذهنی نقش کمتری را در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی در تحقیقات افکاس و مارون دارند (لیندا و دیانا، ۲۰۰۵).

در این نگاه کیفیت زندگی را با سنجش احساس‌های ذهنی شخص از خشنودی درباره جنبه‌های گوناگون زندگی می‌توان ارزیابی کرد (شیخاوندی، ۱۳۸۸). بیشتر روان شناسان طرفدار استفاده از مفهوم ذهنی کیفیت زندگی بوده و معتقدند که رفاه هر فرد یا گروه از افراد دارای اجزای عینی و ذهنی است. اجزای عینی رفاه یا بهزیستی با آنچه که به‌طور معمول به عنوان استاندارد زندگی یا سطح زندگی نامیده می‌شود، ارتباط دارد و اجزای ذهنی آن به کیفیت زندگی اطلاق می‌شود

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

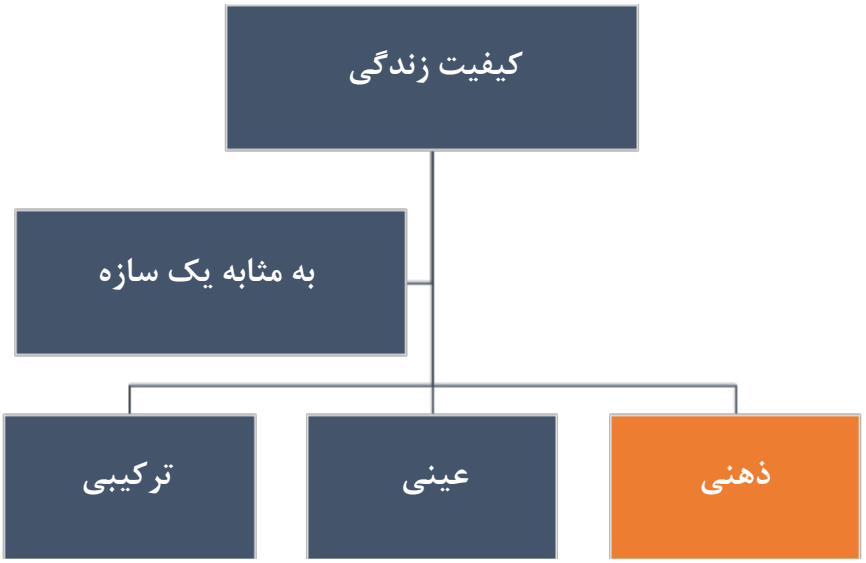

شکل ۸: تقسیم‌بندی‌های بررسی شده در پژوهش در بخش کیفیت زندگی

- **کیفیت زندگی به‌مثابه‌ی سازه‌ی عینی**

در مقابل دسته اول که بعد ذهنی کیفیت زندگی را لحاظ می‌کنند. گروه دیگری نیز هستند که بحث خود را بیشتر بر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

روی جنبه عینی این مفهوم متمرکز کرده‌اند. اگر چه تعداد این محققین زیاد نیست ولی رویکردی متفاوت از دیگران را در پیش گرفته‌اند. کسانی همانند مازلو و مک کال کیفیت زندگی را از بعد عینی موردبررسی قرار داده و معتقدند با لحاظ کردن جنبه‌های عینی کیفیت زندگی بهتر می‌توان به تحلیل این مفهوم پرداخت. این دو طرفدار استفاده از شاخص‌های عینی منطبق با هر فرهنگ برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸).

- **کیفیت زندگی به‌مثابه سازه‌ای ترکیبی**

رویکرد سوم تلاش می‌کند تا با ترکیب دو رویکرد یاد شده دید جامع‌تری در رابطه با کیفیت زندگی مطرح کند. نقطه شروع این کار را می‌توان در طبقه‌بندی فرانس دید. فرانس (۱۹۹۲) معتقد است که از لحاظ مفهومی، کیفیت زندگی هم جسمی است و هم ذهنی ولی جنبه ذهنی آن غلبه دارد. فرانس کیفیت زندگی را ادراک فرد از رفاه خود می‌داند و معتقد است که اگر درک فرد از کیفیت زندگی‌اش کاهش یابد سایر ویژگی‌های او تحت تأثیر قرار گرفته و باعث تحلیل آن‌ها و درنهایت افت کیفیت زندگی می‌شود. اگر چه از لحاظ وسعت مفاهیم بررسی شده در زمینه کیفیت زندگی، فرانس را جزو طبقه سوم به حساب می‌آورند یعنی جزو اندیشمندانی که کیفیت زندگی را هم از بعد عینی بررسی کرده‌اند و هم از بعد ذهنی. ولی بررسی کارهای او (فرانس ۱۹۹۲، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد که بیشتر این کارها متمرکز بر بعد ذهنی کیفیت زندگی است و بخش عینی این مفهوم بازنمایی مناسبی به‌مثابه کارهای انجام شده توسط فلیپس را نشان نمی‌دهد.

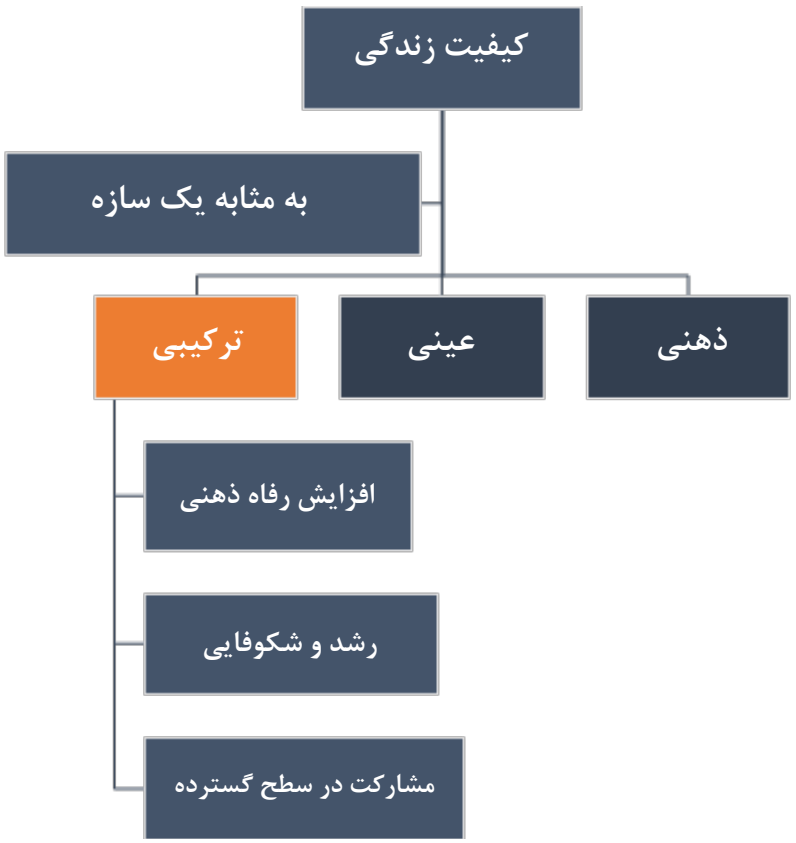

شکل ۹: استقلال عمل‌های لازم در کیفیت زندگی فردی از دیدگاه فیلیپس

فلیپس در زمینه کیفیت زندگی به بررسی این مفهوم در ابعاد فردی و جمعی با استفاده از مؤلفه‌های عینی و ذهنی پرداخته است. از دید فلیپس لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان است و بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در موارد زیر اشاره دارد:

۱. افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

۲. رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگر خواهی.

۳. مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند شامل انسجام مدنی، هم‌کوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع‌دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد (فلیپس، ۲۰۰۶).

توجه روزافزون به کیفیت زندگی به عنوان سازه‌ای ترکیبی باعث شده که بر تعداد قلمروها یا حوزه‌های مطالعاتی این سازه افزوده شود. هکر در تحقیقات خود در رابطه با بیماری‌های سرطانی سه قلمرو را برای کیفیت زندگی نام می‌برد که شامل قلمروهای فیزیکی، روانی و اجتماعی است (لیندا و دیانا، ۲۰۰۵).

در زمینه ابعاد کیفیت زندگی، لیی معتقد است که سه حوزه محیطی، اجتماعی و اقتصادی سه ستون اصلی کیفیت زندگی هستند که می‌توانند برای تشخیص مفهوم زندگی مناسب و پایدار و همچنین برای توضیح معنای کیفیت زندگی مورداستفاده قرار گیرند (لیی، ۲۰۰۵).

بونگ (۲۰۰۷) سه حوزه مهم که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازد را شامل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌داند. روان‌شناسی ویژگی‌های شخصیتی را بر رفاه و بهزیستی ذهنی مؤثر می‌داند. جامعه‌شناسی بر نقش الگوها و عوامل اجتماعی و جمعیتی بر رفاه و بهزیستی ذهنی تأکید دارد و نهایتاً اقتصاد نقش درآمد را در رفاه و بهزیستی ذهنی مهم‌تر از سایر حوزه‌ها می‌داند. با توجه به مباحث مطرح شده در زمینه کیفیت زندگی می‌توان سه ویژگی مهم برای این سازه را برشمرد. این ویژگی‌ها شامل چندبعدی بودن کیفیت زندگی، ذهنی بودن آن و پویایی این سازه می‌باشد.

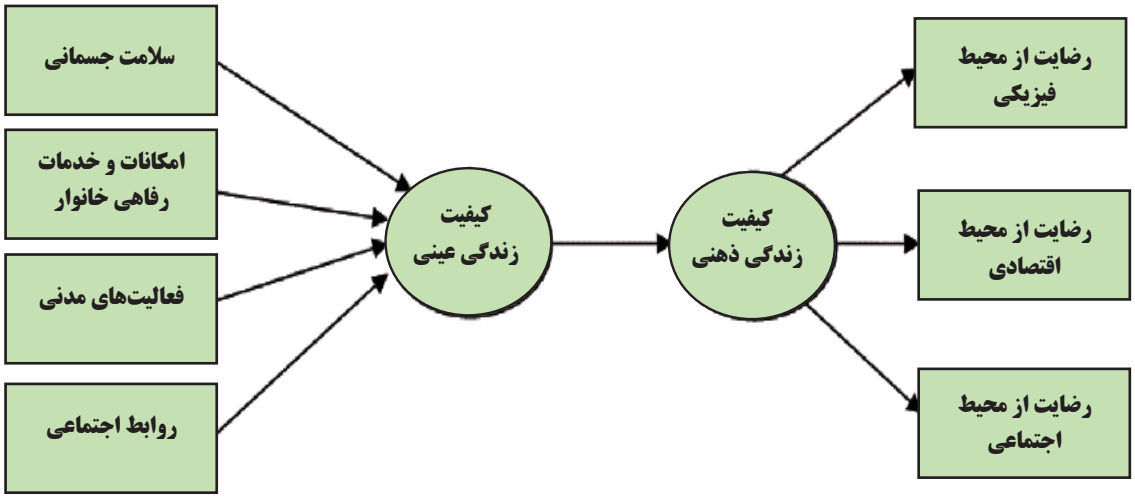

شکل ۱۰: کیفیت زندگی عینی و ذهنی و شاخص‌های آن‌ها

- **عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی**

کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است. عوامل مؤثر بر آن بـه دوره زمـانی و مکان جغرافیایی و شرایط فرهنگی تغییر می‌کنند. شکی نـیست کـه واقـعیت‌ها و شـرایط عینی جامعه و وضـعیت مـادی زندگی فرد نیز در آن نقش تعیین‌کننده دارند (خوارزمی، ۱۳۸۲).

از دید الیور و همکاران (۱۹۹۷) عوامل تعیین‌کننده‌ی کیفیت زندگی در سه طبقه قرار دارند: ۱. مشخصات فردی شامل مـتغیرهای دموگرافیک؛ ۲. شاخص‌های عـینی کـیفیت زندگی که شرایط محیطی هستند و بر مـتغیرهای مـربوط بـه رفـاه عمومی، بهداشت مـحیط اجـتماعی، تحرک، فرهنگ و مذهب، محیط طبیعی و سیاست‌ها. ۳. شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی که با مفاهیمی همچون احساس رضایتمندی از زندگی، رفاه و آسایش جسمی و روانی و شادکامی توصیف می‌شود. فرانس (به نقل از اسلامی،۱۳۸۴)

ارتباط عوامل مرتبط با کیفیت زندگی را به صورت دیاگرام زیـر نشان داده است: همان‌طوری که دیاگرام بالا نشان می‌دهد. این چهار متغیر می‌تواند مستقلاً یا توأم با یکدیگر بر روی کیفیت زندگی تأثیرگذار باشند. درک فرد از کیفیت

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

زندگی‌اش نیز می‌تواند به هرکدام از مـتغیرهای نام‌برده تأثیر بگذارد.

مرکز مطالعات کیفیت زندگی از مدل‌ها و تکنیک‌ها استفاده می‌کند که ادعا می‌شود هم وجه عینی و هم وجه ذهنی کیفیت زندگی را می‌سنجد و بر تعریفی از زندگی مبتنی است که هم‌سطح و هم عمق زندگی را در بردارد و ضـمن تـوجه به وضعیت فرد از نظر ثروت مادی و پایگاه اجتماعی و سلامتی، معنایی که این شرایط برای فرد دارد و احساس خوب و رضایت از زندگی را نیز در برمی‌گیرد. نمونه‌ای از یافته‌های ایـن مـرکز به این شرح است:

۱. در ارتباط بـا کـیفیت زندگی، مهم نیست که از عینی فرد چه شرایطی داشته باشد (جنسیت، قد، تحصیلات، شغل و...) کیفیت زندگی او به مقدار زیاد بستگی دارد به این‌که چه احساسی درباره خودش دارد. ۲. میزان درآمد سالانه، همبستگی چندانی بـا کـیفیت زندگی فرد ندارد. ۳. نوع شغل فـرد رابـطه مستقیمی با کیفیت زندگی او ندارد. مسئله اساسی این است که فرد از کارش راضی باشد و با همکاران خود رابطه خوبی داشته باشد. ۴. در رابطه با سلامتی، کیفیت زندگی اغلب با این تشخیص که فرد بیمار اسـت، آسیب می‌بینند، ولی بـیشتر به این دلیل که بیماری مشکلات و دردسرهایی برای فرد می‌آفرینند و روال عادی زندگی را بر هم می‌زند. ۵. کیفیت زندگی تقریباً هیچ ارتباطی با مصرف الکل و سیگار و عادات غذا خوردن و ورزش ندارد (خوارزمی،۱۳۸۲).



شکل ۱۱: نتایج حاصل از مطالعات خوارزمی در باب کیفیت زندگی

- **چارچوب نظری ارائه شده در زمینه کیفیت زندگی در ایران**

با توجه به بستر موضوع که در ایران موردبررسی قرار می‌گیرد در زمینه چارچوب نظری با توجه به همه مطالب ذکر شده و مبانی نظری خارج از کشور این شاخص‌ها در ایران ارائه شده و در جدول زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

جدول ۱: چارچوب نظری کیفیت زندگی

پژوهشگر	سال	شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی
سلیم زاده و همکاران	۱۳۸۶	برداشت شخصی یک فرد از موقعیت زندگی‌اش در رابطه با فرهنگ، نظام ارزش اجتماعش، اهداف، انتظارات، استانداردها و احتیاجاتش
ربانی خوراسگانی و کیانپور	۱۳۸۶	مؤلفه‌های ارزیابی فردی (شامل احساس بهزیستی، احساس رضایت از زندگی در اجتماع)، ارزیابی کارکردی (شامل استانداردهای شهروندی، منزلت نقشی)
گروسی و نقوی	۱۳۸۷	کیفیت روانی، کیفیت فرهنگی، کیفیت سلامت، کیفیت محیطی، دسترسی به خدمات و امنیت عمومی
علی‌اکبری و امینی	۱۳۸۹	شاخص کیفیت محیط فیزیکی، کیفیت محیط اجتماعی، کیفیت محیط اقتصادی، کیفیت حمل‌ونقل و ارتباطات
فتحعلیان، پرتویی	۱۳۹۰	عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی
نیازی، دلال خراسانی	۱۳۹۱	درک فرد از وضعیت کنونی خود و ارزیابی مثبت از زندگی و محیط پیرامونی فرد. رابطه اجتماعی، دین‌داری، رضایت از خود، احساس تأمین نیازها
سالاری سردری و همکاران	۱۳۹۳	کیفیت حمل‌ونقل و ارتباطات، کیفیت محیطی اقتصادی، کیفیت محیطی، کیفیت محیطی فیزیکی
شاه‌حسینی، توکلی	۱۳۹۳	مسکن، سرزندگی و هویت محل زندگی، مشارکت‌های اجتماعی، آموزش، امنیت، محیط‌زیست، حمل‌ونقل، وضعیت اقتصادی، خدمات و امکانات
براتی، یزدان پناه، شاه‌آبادی	۱۳۹۴	میزان رضایتمندی شهروندان از عوامل مختلف مؤثر بر کیفیت زندگی مانند عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و غیره. کیفیت دسترسی به خدمات، ارزش‌های محیط شهری، ارزش‌های ترکیبی، امنیت اقتصادی، کیفیت محیط اجتماعی، کیفیت مسکن
حاتمی نژاد و همکاران	۱۳۹۵	کیفیت واحد مسکونی، کیفیت رفت‌وآمد و حمل‌ونقل، کیفیت امکانات اوقات فراغت، ابعاد ذهنی کیفیت زندگی، کیفیت دسترسی به تسهیلات تجاری، کیفیت و رضایت از تسهیلات درمانی بهداشتی، کیفیت و رضایت از تسهیلات اداری، کیفیت تسهیلات آموزشی، کیفیت تسهیلات اجتماعی و فرهنگی، کیفیت تسهیلات شهری، کیفیت وضعیت بهداشتی، کیفیت امنیت محله و کیفیت روابط همسایگی

با توجه به موضوع پژوهش که تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقا شاخص‌های توسعه‌ی شهری است. در ابتدا با شناخت محیط روبه‌رو هستیم که در سه مرحله شناخت عینی، شناخت ذهنی، شناخت ارزیابانه صورت می‌گیرد. در واقع هر فضای شهری در معنای عام خود تبدیل به محیطی برای رهگذران و شهروندان است که می‌تواند منظری در سه لایه برای آن‌ها ایجاد نماید. لایه اول منظر عینی به صورت اولیه در برطرف نمودن نیازها مثمر ثمر بوده و به صورت مشخص کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. در لایه بعدی منظر ذهنی مؤلفه‌های مختلف با توجه الگوهای فردی و اجتماعی در ذهن فرد ایجاد می‌نمایند. با دسته‌بندی این مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های عینی و ذهنی که در برخی مبانی نظری کیفیت زندگی نیز این دسته‌بندی دیده می‌شود، می‌توان محیط را به عنوان بستر و انسان را به عنوان فیلتر آن به مؤلفه ذهنی با کیفیت زندگی ارتباط داد. مؤلفه عینی خود می‌تواند در چهار دسته حمل‌ونقل، اجتماعی، محیطی و زیست‌محیطی تقسیم‌بندی گردد. این مؤلفه‌ها و مؤلفه ذهنی اگر در کنار هم میزان قابل قبولی از نتیجه مطلوب را داشته باشند، می‌توانند به کیفیت زندگی منتج گردند و شاخص‌های آن را بالا برند:

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

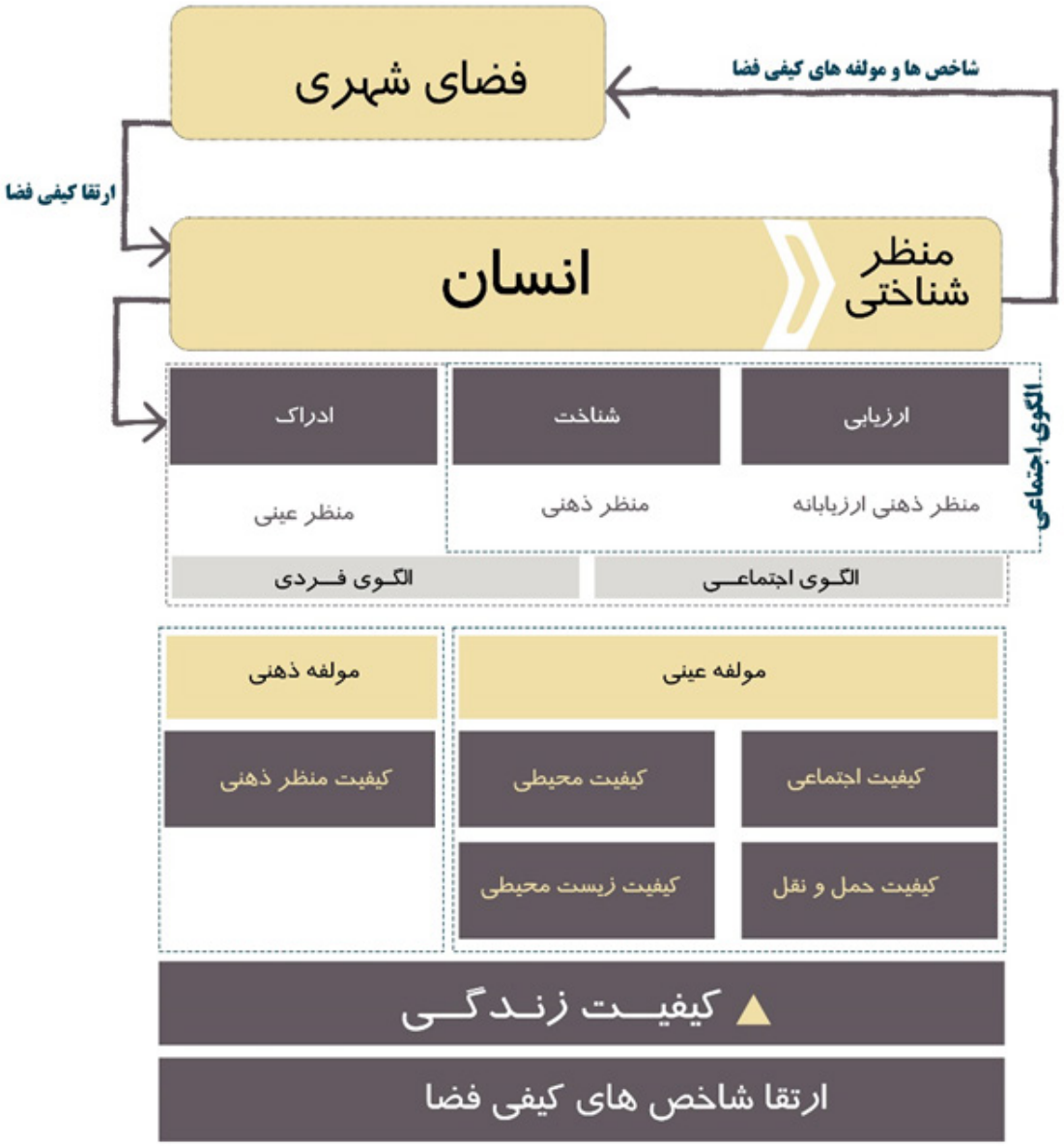

شکل ۱۲: چارچوب اولیه نظری پژوهش: ارتباطات کلی مفاهیم اصلی پژوهش

پیش از ارائه مدل نظری پژوهش که ارتباط دقیق‌تر این مسائل را در برمی‌گیرد، باید گفت مدل تحلیل و تفکری این پژوهش بر اساس فرآیند زیر تحقق خواهد یافت. در واقع دیاگرام زیر نیاز به بیان نحوه اجرا و برنامه‌دهی رسیدن از تئوری به عمل را مبین می‌سازد. در ابتدا نیازسنجی از فضای شهری با توجه به بستر و زمینه و با توجه به الگوهای فردی و اجتماعی بستر که در مبانی اهمیت آن‌ها مشخص گردید، صورت گرفته است. با توجه به نیازسنجی صورت گرفته، اهداف تبیین گشتند که در این میان مدل نظری مؤلفه‌های کیفیت نظری باید ابتدا مشخص گردند. با توجه به مدل نظری نهایی و بومی‌سازی مدل‌ها با توجه به نمونه موردی پژوهش یعنی میدان تجریش، اقداماتی در قبال مؤلفه‌های استخراج شده صورت می‌گیرد. این فرآیند تفکر و اجرا در دیاگرام زیر قابل مشاهده است:

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

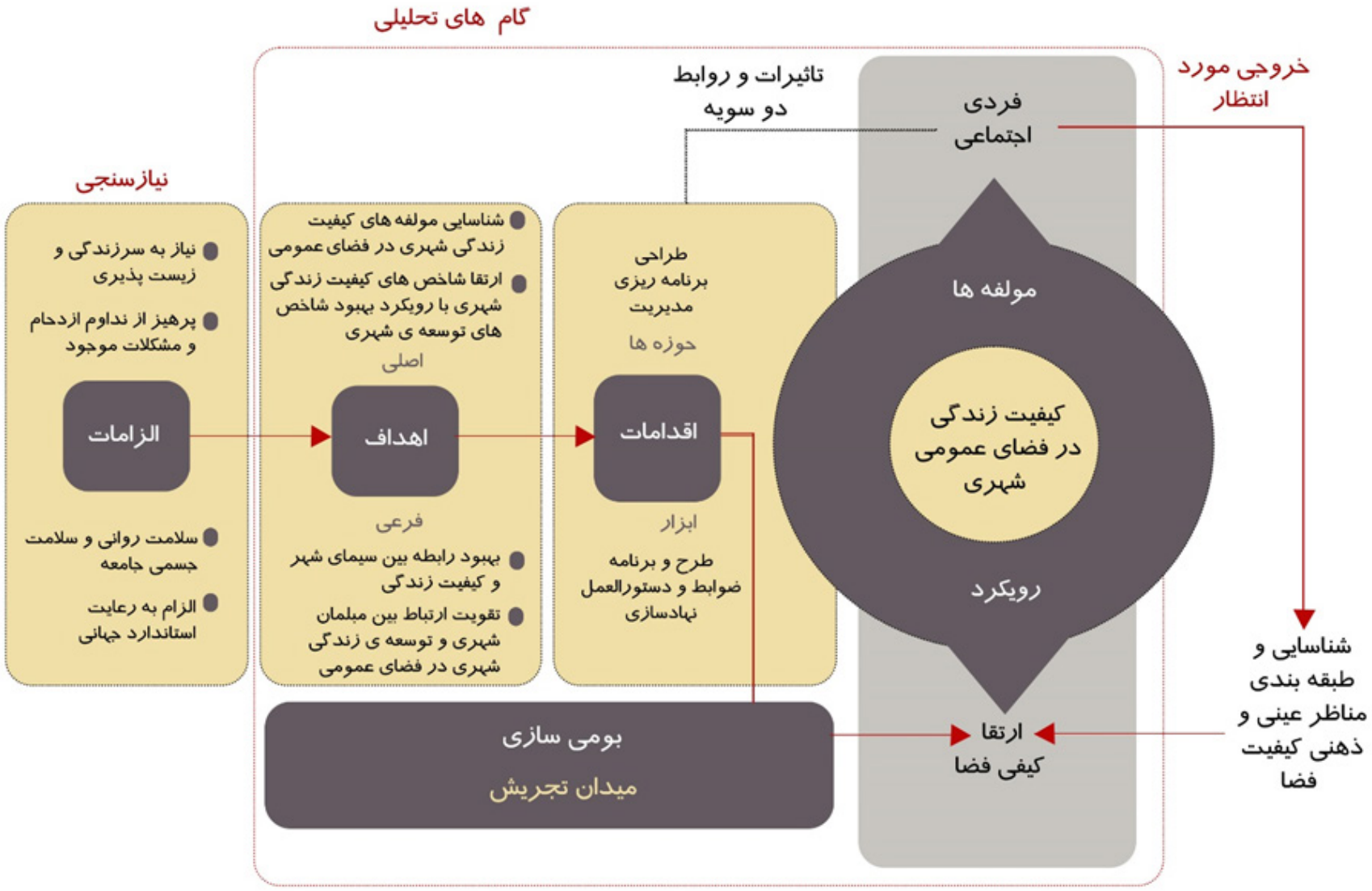

شکل ۱۳: فرآیند تحلیل و حل مسأله در پژوهش حاضر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

در جمع‌آوری و بسط دقیق‌تر این ارتباط میان کلیدواژه‌های پژوهش و ایجاد مدلی تجربی جهت بررسی کیفیت زندگی در فضای شهری میدان تجریش باید گفت کیفیت زندگی در چند سطح نمود می‌یابد:

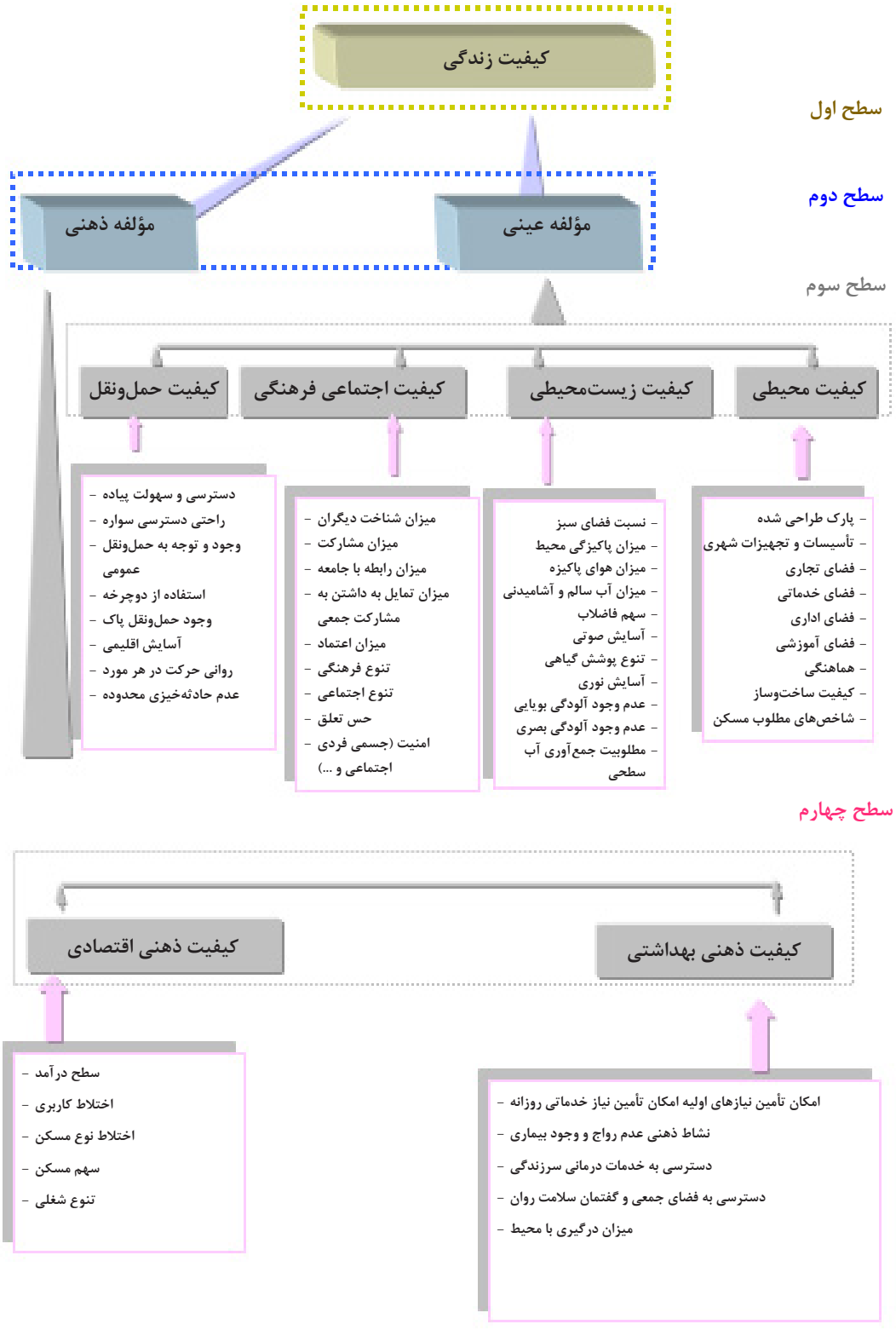

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

با توجه به شاخص‌های توسعه مدل زیر را می‌توان تدوین نمود که درنهایت پرسشنامه و تحلیل نیز بر اساس همین مدل ارائه گشته است

یافته‌های پژوهش

با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش و اهمیت بالای طبقه‌بندی واضح و شفاف مفاهیمی انتزاعی مانند کیفیت زندگی که در رشته شهرسازی استفاده بسیاری دارند، باید گفت این پژوهش به چند نتیجه کلیدی در زمینه کیفیت زندگی، ابعاد آن و نحوه ارتقا آن‌ها رسیده است:

- کیفیت زندگی به صورت هم‌زمان به دو دسته و مؤلفه عینی-ذهنی و کمی - کیفی تقسیم می‌شود که این تقسیم‌بندی به صورت مجزا و ناسازگار نیستند و به عنوان مثال مؤلفه‌ی اقتصادی هرچند به لحاظ ذهنی کیفیت زندگی را تعیین می‌نماید دارای شاخص‌هایی کمی برای بررسی و اندازه‌گیری است.
- ابعاد کیفیت زندگی به شش دسته طبقه‌بندی می‌گردند: کیفیت محیطی، زیست‌محیطی، حمل‌ونقل، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی
- مؤلفه ذهنی به دو بخش کیفیت ذهنی بهداشتی و کیفیت ذهنی اقتصادی تقسیم‌بندی می‌گردند. هرچند مؤلفه‌های محیطی، زیست‌محیطی، ترافیکی و فرهنگی-اجتماعی بر روی این کیفیت ذهنی تأثیرگذار می‌باشند ولی به دلیل ملموس بودن و تأثیر مستقیم آن‌ها، در طبقه‌بندی موجود در بخش مؤلفه‌های عینی قرار گرفته‌اند و تأثیرات غیرمستقیم آن‌ها بر کیفیت ذهنی مشاهده می‌گردد.
- امکان تأمین نیازهای اولیه، امکان تأمین نیاز خدماتی روزانه، نشاط ذهنی، عدم رواج و وجود بیماری، دسترسی به خدمات درمانی، سرزندگی، دسترسی به فضای جمعی و گفتمان، سلامت روان و میزان درگیری با محیط مجموعه به عنوان زیر شاخصه‌های مؤلفه کیفیت ذهنی بهداشتی محیط معرفی شده‌اند.
- سطح درآمد، اختلاط کاربری، اختلاط نوع مسکن، سهم مسکن و تنوع شغلی زیر شاخصه‌های مؤلفه کیفیت ذهنی اقتصادی می‌باشند.

امید است با این طبقه‌بندی و شاخصه‌ها و زیر شاخصه‌های ارائه شده بتوان به شناخت میزان کیفیت زندگی در محیط‌های مختلف شهری به دور از ابهام و بیان مفاهیم پیچیده و غیرعلمی به روش‌های کمی و آمیخته پرداخت و گامی کوچک در جهت رسیدن به شهرسازی علمی و شفاف قدم برداشت.

منابع

- الکساندر، ک. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- امامقلی، ع. ، آیوازیان، س؛ و اسلامی، س. (۱۳۹۱). روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. فصلنامه علوم رفتاری، ۲۳-۴۴.
- ایمانی، ن؛ و ظفرمندی، س. (۱۳۹۶). مبادی سلیقه در معماری. باغ نظر، ۳۳-۴۲.
- بارون، ر. (۱۳۸۷). تیپ شخصیتی من کدام است؟. تهران: انتشارات پوینده.
- پورجعفر، م.، ایزدی، م؛ و خبیری، س. (۱۳۹۲). دلبستگی مکانی؛ بازشناسی مفهوم، اصول و معیارها. هویت شهر، ۴۳-۵۴.
- پوردیهیمی، ش. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، ۳-۱۸.
- تایگر، پ؛ و تایگر، ب. (۱۳۸۸). شغل مناسب شما. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تایگر، پ؛ و تایگر، ب. (۱۳۹۲). تکنیک‌های شخصیت خوانی، راهی برای ارتباط مؤثر. (م. قره چه داغی، و ح. رحیم منفرد، مترجم) تهران: انتشارات پیک بهار.
- ثقفی، م؛ و طاهری سیاح، ف. (۱۳۹۶). بررسی شیوه استفاده از شخصیت شناسی و ویژگی‌های شخصیتی کاربر فضا در طراحی مسکن. نشریه هنرهای زیبا، ۷۵-۸۸.
- جعفری، س؛ و فروتن، م. (۱۳۹۴). ارزیابی دلبستگی به مکان: تبیین عوامل و شاخص‌ها. مطالعات محیطی هفت حصار، ۶۳-۷۶.
- حبیب، ف؛ و نسار، د. (۱۳۹۶). معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری (نمونه مطالعه: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران). فصلنامه مطالعات شهری، ۱۷-۳۰.
- رلف، ا. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکانی. (م. نقصان محمدی، ک. مندگاری، و ز. متکی، مترجم) تهران: آرمانشهر.
- زمانی، ب. ، قلعه‌نویی، م؛ و پیمانفر، س. (۱۳۹۶). بازشناسی مؤلفه‌های سکونتگاه (مطالعه موردی: محله مجمر اصفهان). مسکن و محیط روستا، ۱۱۷-۱۳۰.
- شاملو، س. (۱۳۸۲). مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
- شکیبا، ش. (۱۳۸۴). بررسی رابط تیپ شخصیت و هوش هیجانی در رضایت شغلی کارمندان علوم پزشکی ایران. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی.
- طاهرطلوع دل، م. ، مهدی نژاد، ج؛ و سادات، س. (۱۳۹۹). تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی. فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، ۱۶۵-۱۸۲.
- عابدی، م؛ وجودی، پ. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی و معماری. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- فقیهی‌پور، ج؛ و حسینی‌آرانی، س. (۱۳۹۹). تیپ‌شناسی MBTI = Myers-briggs type indicator. تهران: انتشارات دارالفنون.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۴ . بهار ۱۴۰۳
Urban managment
No.74 Spring 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]

- قیمتی، م.، اعتصام، ا؛ و علایی، ع. (۱۳۹۹). بررسی نقش دلبستگی مکان در شکل‌گیری هویت مکانی نوین، بر پایه پیمایش ظرفیت انطباقی شهروندان از نماهای مسکونی شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۳۰۸-۳۲۱.
- کارمونا، م.، تیسدل، ا؛ و هیت، ت. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری. (ا. صالحی، م. شکوهی، ف. قرایی، & ز. اهری، مترجم) تهران: دانشگاه هنر تهران.
- کوپر مارکوس، ک. (۱۳۸۳). خانه: نماد خویشتن. (ا. عقیلیان، تدوین) فصلنامه فرهنگستان هنر، ۵-۹.
- گلکار، ک. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار: تعاملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، ج. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری- نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (ع. عینی فر، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
- متقی، ا؛ و نامدارزاده، م. (۱۳۹۹). نسبت هویت مکان با کنش‌های تقسیمات سیاسی در فضا (مطالعه موردی: شهرستان کازرون). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷۷-۹۰.
- محمودی، م. ، وزیرجانی، ح؛ و خلیلی یادگاری، م. (۱۳۹۱). ابعاد شخصیتی تست مایرز-بریگز (MBTI) و تمایل خرید مشتریان. تحقیقات بازاریابی نوین، ۱۵۱-۱۶۵.
- نمازیان، ع. (۱۳۷۹). نیازهای روانی در رابطه با محیط مصنوع. صفه، ۷۴-۸۱.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۵۳). هستی، فضا و زمان. (م. حافظی، مترجم) تهران: انتشارات تهران.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۲). گزینه‌ای از معماری-معنا و مکان. (و. نوروز برازجانی، مترجم) تهران: انتشارات جان جهان.
- وثیق، ب؛ و یاری کیا، ع. (۱۳۹۸). تبیین عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در بناهای امامزاده‌ها) امامزاده سید حسن (ع) و علی صالح (ع). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳۷-۵۲.

- Arefi, M. (1999). Non place and placelessness as narratives of loss. Journal of urban design, 179-193.
- Burt, C. (1933). The psychology of art in how the mind works. London: Allen and Unwin.
- furnham, A., & Avison, M. (1997). Personality and preference for surreal paintings.. Personality and Individual Differences, 923-935.
- Gustafson, P. (2006). Place Attachment and Mobility. CAB international, 17-33.
- Jorgensen, B., & Stedman, R. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore Property owners attitudes toward their properties. Journal of Environmental Psychology, 233-248.
- Rentrow, P., Goldberg, L., & Levitin, D. (2011). The structure of musical preferences: a five-factor model. Pers Soc Psychol.
- Shamai, S., & Ilatov, Z. (1996). Measuring Sense of place: Methodological aspects. Tijdscrift voor Economishe en sociale Geografie, 467-476.
- Ujang, N. (2012). place attachment and community of urban place identity. Social and behavioral Sciences, 56-64.
- Williams, D., Anderson,, B., & McDonald, C. (1995). Measuring place attachment: More preliminary results. NRPA leisure research symposium San Antonio,, 4-8

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-28]